

مقایسه و بررسی تطبیقی موسیقی کناری غزلیات سلمان ساوجی و خواجوی کرمانی

رضا اشرف زاده*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱۱

آمنه تاک**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۱۲

محمد فاضلی***

چکیده

خواجوی کرمانی و سلمان ساوجی از شاعران نامدار و صاحب سبک قرن هشتم توانسته‌اند به کمک موسیقی شعر، توازن و تناسب کلمات را در محور هم‌نشینی زبان، به بهترین شکل به نمایش بگذارند. این مقاله در بررسی و مقایسه موسیقی کناری غزلیات سلمان و خواجه بر آن است که اثبات کند قافیه‌های دو همسان کم‌آهنگ‌ترین کلمات قافیه‌اند. این نوع قافیه در شعر خواجه بیش از سلمان است. وجود قافیه‌های سه همسان و بیش‌تر در شعر سلمان بیانگر این است که وی بیش از خواجه به موسیقی کناری حاصل از قافیه اهمیت داده است. خواجه تمایل چندانی به استفاده از ردیف‌های تصنعی نشان نداده، حال آنکه ردیف‌های سلمان اغلب ساده و پیشوندی است. ردیف در غزلیات هر دو شاعر متنوع است. بکارگیری فعل مضارع بیش از ماضی، بیانگر خلاقیت و تحرک تصاویر شعری آنان است.

کلیدواژگان: قافیه، ردیف، غزل، مقایسه، خواجوی کرمانی، سلمان ساوجی.

rezaashrafzade@yahoo.com

amenetaak@yahoo.com

mohamadfazeli@yahoo.com

* استاد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد مشهد.

** دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد واحد مشهد.

*** استاد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد مشهد.

نویسنده مسئول: آمنه تاک

مقدمه

بررسی اشعار هر گوینده‌ای توجه به چگونگی و میزان موسیقی ابیات از رهگذر قافیه و ردیف ضروری است. ارتباط تنگاتنگ شعر و موسیقی موضوعی است غیر قابل انکار که عموم اهل فرهنگ و هنر، به‌ویژه اهل ادب و موسیقی هر یک به آن معترف و معتقدند؛ پیوندی ناگسستنی بین این هنرهای آسمانی برقرار است که گویی از یک جایگاه برخاسته‌اند تا در نمایاندن زیبایی به انسان مؤثرتر واقع شوند، روح آدمی را تلطیف سازند و او را به سوی جمال و کمال راه دهند و در نهایت او را به تعالی رسانند. شعر خاستگاهی جز به موسیقی رساندن زبان ندارد. و همه تعریف‌های شعر در تحلیل نهایی بازگشتش به این تعریف خواهد بود که شعر تجلی موسیقایی زبان است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۸۹). سخن در باب ارتباط و پیوند شعر و موسیقی بسیار گسترده است و در این گفتار نمی‌گنجد. بررسی و مطالعه در موسیقی شعر باعث شناخت سبک شعری شاعر می‌گردد. میزان تأثیرگذاری آوای حروف بر القای معانی مورد نظر شاعر در موسیقی درونی و کناری شعر خصوصاً در ردیف بررسی می‌شود. «گرچه در یک نگاه کلی چنین به نظر می‌رسد که ردیف انتخاب کلمه یا گروهی از کلمات است که آزادی اندیشه و تخیل را محدودتر می‌کند و شاعر تا پایان شعر مضمونی تکراری را به عنوان ردیف ذکر می‌کند. اما شاعران حاذق و بلندمرتبه برای ایجاد وحدت در افکار نفوذ نقش موسیقایی خلق مضمون‌های تازه در وسعت اندیشه هنرنمایی انتخاب مضامین دقیق‌تر تشبیه‌های تازه و استعاره‌های گیرا از ردیف بهره برده‌اند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۲۲۱-۲۲۲). قافیه و ردیف در دست شاعران برجسته سبک عراقی همچون *خواجه‌ی کرمانی* و *سلمان ساوجی* تکامل یافته، علاوه بر آن باعث ایجاد موسیقی، خلق مضمون و تصویرهای بدیع شده است. «شعر در راه تکامل ردیف از ردیف‌های ساده می‌گذرد و از قصیده سرایی توجهی خاص به غزل نشان می‌دهد» (همان: ۱۵۷).

ضرورت تحقیق

برای شناخت و تحلیل نکات برجسته موسیقی کناری دو شاعر در میزان موفقیت شعر آن‌ها، به تحلیل و مقایسه نیاز داریم. بنابراین بررسی نقش قافیه و ردیف در

موسیقی غزلیات *خواجهی کرمانی* و *سلمان ساوجی* را برگزیدیم چراکه مشترکات و تفاوت‌های فراوان در زمینه موسیقی دارند؛ *انوری* در مقدمه دیوان *خواجهی کرمانی* معتقد است: «غزل‌های *خواجهی کرمانی* عاشقانه شورانگیز و اکثراً شیرین است. در دیوان *خواجهی کرمانی* ترکیبات، لغات تازه و اصطلاحات مفید، فراوان پیدا می‌شود. روح مذهب در بیش‌تر اشعارش نمودار است» (انوری، ۱۳۷۴: ۱۴). *سلمان ساوجی* نیز «در غزل از شاعران موفق است. فصاحت گفتار و مضمون‌یابی‌های او و آمیختن افکار عاشقانه و عارفانه، در غزل باعث شده است در ردیف بهترین غزلسرایان قرن هشتم درآید» (صفا، ۱۳۸۰: ۱۸۰). این مقاله، غزلیات این دو شاعر را از جنبه موسیقی کناری - که یکی از عوامل برجسته در آفرینش موسیقی است، با شیوه مقایسه‌ای و توصیفی - تحلیلی، مورد بررسی و مقایسه قرار داده، به بیان شباهت‌ها می‌پردازد.

پیشینه و تازگی تحقیق

درباره شعر *خواجهی کرمانی* و *سلمان ساوجی* کارهای تحقیقی ارزشمندی انجام شده از جمله مقاله‌های «تحلیل سبک‌شناسانه ۵۰ غزل *خواجهی کرمانی*» که در آن *شیرزاد طایفی* به تحلیل غزل‌ها و ویژگی سبکی آن‌ها پرداخته است. علاوه بر ویژگی‌های سبکی، زبانی و چگونگی بیان افکار شاعر به بیان ویژگی‌های آوایی غزل‌ها نیز اشاره شده است. «مبانی جمال‌شناسی و موسیقی شعر *خواجهی کرمانی*» نیز از جمله مقالاتی است که *فریدون تقی زاده* با بررسی ۵۰ غزل، از بخش شوقیات دیوان *خواجهی کرمانی* در زمینه زیبایی‌شناسی به سنجش قدرت و توازن موسیقی کلام و تجلی اندیشه *خواجهی کرمانی* در ابعاد لفظ و معنی می‌پردازد.

«ویژگی‌های قافیه در شعر حافظ، سلمان ساوجی و *خواجهی کرمانی*» عنوان مقاله‌ای از *محمدجواد عظیمی* و «موسیقی قصاید سلمان ساوجی» عنوان پایان‌نامه مرضیه میری که در آن به جنبه‌های مختلف موسیقی قصاید دیوان *سلمان ساوجی* پرداخته است. مقالات و آثار ارزشمند فوق، به جنبه‌هایی از موسیقی و زیبایی‌شناسی اشعار دو شاعر پرداخته است اما هیچ‌کدام به نقش موسیقایی قافیه و ردیف در کل غزلیات *سلمان ساوجی* و *خواجهی کرمانی* و مقایسه و نقد تحلیلی آن نپرداخته است.

این مقاله قصد دارد با بررسی کل غزلیات دیوان هر دو شاعر (۹۳۳ غزل *خواجهوی کرمانی* و ۴۴۱ غزل *سلمان ساوجی*) انواع قافیه و ردیف و نقش‌های گوناگون آن از جمله نقش موسیقایی و معنایی را یافته با شیوه بسامدگیری قوافی و ردیف‌های شعری و نوع ساختاری آن را مشخص کند. سپس با نقد و تحلیل نقش معنایی و موسیقایی ردیف، در غزل این دو شاعر، به مقایسه پردازد.

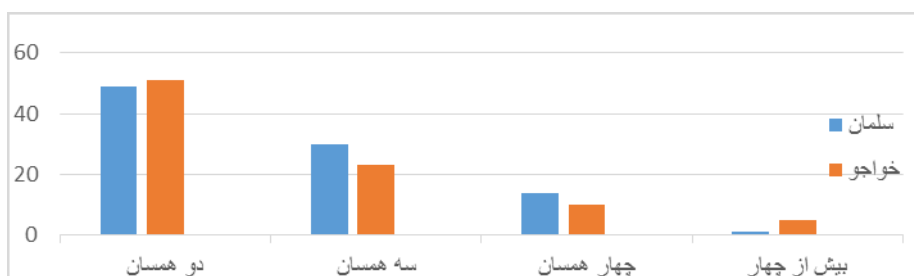
روش تحقیق

در این مقاله در یک بررسی عمیق و همه‌جانبه با گردآوری مطالب به روش کتابخانه‌ای به کیفیت کاربرد موسیقی قافیه و ردیف در شعر *خواجهوی کرمانی* و *سلمان ساوجی* پرداخته‌ایم. به این منظور تمامی غزلیات دیوان هر دو شاعر بر اساس روش تحقیق آماری - تحلیلی بررسی گردید، سپس به کمک بسامدگیری قافیه‌ها و ردیف‌های شعری و انواع آن مشخص گردید. آنگاه تعداد دفعات و هدف شاعران از بکارگیری آن مورد بررسی و مقایسه تحلیلی قرار گرفت. سپس داده‌ها در قالب نمودار طراحی و تنظیم گردید.

مقایسه قافیه و کیفیت بهره‌وری از واج‌ها

شاعران نامدار همواره به نقش موسیقی در شعر توجه داشته و به آن اهمیت داده‌اند. *سلمان* و *خواجهوی* نیز از جلوه‌های موسیقایی قافیه آگاه بوده و به زیبایی در شعر خود از آن بهره برده‌اند. این دو شاعر در قافیه‌سازی‌های خود از اغلب حروف فارسی استفاده کرده‌اند. *سلمان* از ۱۹ حرف الفبا و *خواجهوی* از ۲۲ حرف برای روی قافیه اشعار خود استفاده کرده‌اند. حروف «ن» و «ب» از پرسامدترین حروف قافیه این دو شاعر است. *خواجهوی* نسبت به *سلمان*، از سه حرف از حروف الفبا بیش‌تر استفاده کرده است. این سه حرف عبارت‌اند از «ح، گ، ع» که از حروف کم‌کاربرد در قافیه‌سازی شاعران نیز محسوب می‌شود. هرچه تعداد حروف تکراری در کلمات قافیه بیش‌تر باشد موسیقی بیش‌تری احساس می‌شود. کم‌آهنگ‌ترین کلمات قافیه، کلماتی است که هجای قافیه در آن دو همسانی باشد. قافیه‌های دو همسان در شعر *سلمان* ۴۹٪ و در شعر *خواجهوی* ۵۱٪

است. قافیه‌های سه همسان و بیش‌تر از غنای موسیقی بیش‌تری برخوردارند و در آهنگ شعر و موسیقی آن نقش بسزایی دارند. قافیه‌های سه همسانی و بیش‌تر در شعر سلمان ۳۰٪ و در شعر خواجه ۲۳٪ است. این نشان می‌دهد که سلمان بیش از خواجه به موسیقی کناری حاصل از قافیه اهمیت داده است. موسیقی قافیه در اوزان کوتاه، نسبت به اوزان متوسط، محسوس‌تر است. با توجه به جدول کوتاه و بلند بودن اوزان می‌بینیم اوزان کوتاه خواجه (۱۲ غزل) تقریباً دو برابر اوزان کوتاه سلمان (۵ غزل) است. از این دیدگاه موسیقی قافیه شعر خواجه بیش از سلمان است.



مقایسه و کیفیت بهره‌وری از نقش ردیف

ردیف به عنوان یکی از جلوه‌های موسیقی کناری اهمیت ویژه‌ای در ایجاد موسیقی دارد. با پیشرفت و تکامل غزل مسأله ردیف محسوس‌تر می‌شود و هرچه غزل کامل‌تر می‌شود میانگین ردیف بالاتر می‌رود (شفیعی، ۱۳۸۴: ۱۳۸). هر دو شاعر به نقش و اهمیت ردیف در موسیقی شعر واقف بوده‌اند. در بررسی‌های به عمل آمده دریافتیم از مجموع ۹۳۳ غزل دیوان خواجهی کرمانی، ۵۸۶ غزل دارای ردیف است که این تعداد قریب ۶۳٪ غزلیات او را در بر می‌گیرد. سلمان ساوجی نیز ۴۴۱ غزل دارد که ۲۸۵ مورد آن مردّف است. این تعداد ۶۴٪ غزلیات اوست. نتایج بیانگر این است که هر دو شاعر توانا به نقش ردیف در ایجاد موسیقی توجه داشته‌اند. دو شاعر در جایگاه ردیف از واژه‌های متنوعی بهره برده‌اند، ردیف‌های فعلی باعث غنای موسیقی کناری می‌شود و تکرار آن موسیقی شعر را قوی‌تر می‌سازد. جنبه‌های مربوط به شخصیت‌پردازی در عالم خیال از عواملی است که ردیف‌های فعلی را بر ردیف‌های اسمی و حرفی برتری می‌دهد (محبوب،

۱۳۴۵:۱۵۴). ردیف‌های فعلی بیش از دیگر واژه‌ها در غزلیات دیوان دو شاعر دیده می‌شود.

۶۲٪ ردیف‌های غزلیات *خواجوی کرمانی* فعلی است در حالی که ۶۶٪ ردیف‌های *سلمان ساوجی* را فعل‌ها به خود اختصاص داده‌اند. به این ترتیب *سلمان ساوجی* نسبت به *خواجوی کرمانی* بکارگیری ردیف فعلی را برای بیان افکار خود ترجیح داده است. از نظر روان‌شناسی این شاعران که از ردیف‌های فعلی استفاده می‌کنند بیش‌تر اهل تجربه و حرکت‌اند چه در ذهن و چه در عالم خارج و شاعرانی که ردیف‌های اسمی و حرفی به کار می‌برند بیش‌تر اهل تجرید و انتزاع و سکون و ایستایی‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۴۱۳). درصد استفاده از فعل مضارع در غزلیات *خواجوی کرمانی* ۴۹٪ و مورد مشابه آن در غزلیات *سلمان ساوجی* ۶۲٪ است بیانگر این است که *سلمان ساوجی* نسبت به *خواجوی کرمانی* از فعل مضارع در جایگاه ردیف بیش‌تر بهره برده است. درصد بالای افعال مضارع نسبت به ماضی، بیانگر کثرت افعال پویا، در برابر افعال ایستا و ثابت است. حرکت و پویایی غزل به کمک تکرار ردیف قوت می‌گیرد.

مقایسه انواع فعل در جایگاه ردیف *خواجو* و *سلمان*



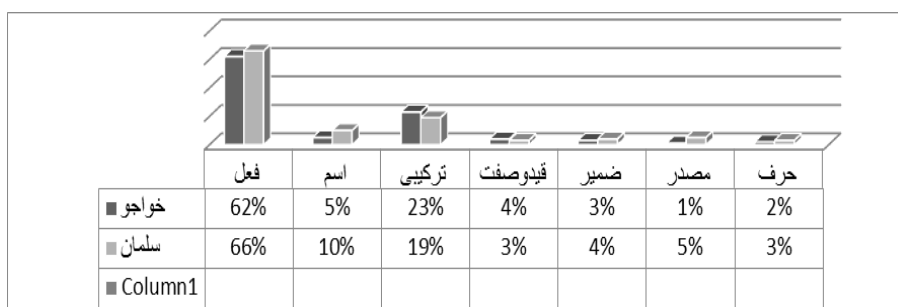
هر دو شاعر از افعال ربطی در نظم منطقی مطالب استفاده کرده و با سادگی و روانی کامل هر مصراع را به جمله‌ای اسمیه با اسناد فعل ربطی خاتمه داده‌اند.

«یکی از دلایل توسعه ردیف در شعر فارسی وجود افعال ربط است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۱۳۷). «از سوی دیگر وجود فعل ربط و اهمیت آن در ساختمان زبان فارسی

مهم‌ترین عامل پیدایش و توسعه ردیف در شعر فارسی است و با اندکی توسعه در مفهوم رابط همه افعال معین دارای همین خاصیت است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۲۲۴).

۲۷٪ ردیف‌های فعلی *خواجوی کرمانی* از گروه فعل‌های ربطی است، در حالی که *سلمان ساوجی* بیش‌تر از *خواجوی کرمانی* به استفاده از افعال ربط علاقه نشان داده و حدود ۳۱٪ ردیف‌های فعلی او از این دسته است. ردیف در غزلیات *خواجوی کرمانی* و *سلمان ساوجی* از تنوع چشمگیری برخوردار است آنچه مهم است این است که هر دو شاعر، ردیف‌های فعلی‌اند و ردیف‌های اسمی آن‌ها در مقابل ردیف‌های فعلی، ناچیز است. *خواجوی کرمانی* ۵٪ از ردیف اسمی استفاده کرده و علاقه بیش‌تری به کاربرد این نوع ردیف داشته است در مقایسه با *سلمان ساوجی* که ۳٪ از ردیف اسمی بهره برده است. اغلب اسم‌هایی که *خواجوی کرمانی* استفاده کرده غیر جاندار است ۵ بار دل و ۲ بار جان و ۲ بار چشم و شراب و می و شیشه گل و دیوار را به عنوان ردیف به کار برده است.

مقایسه انواع ردیف



هر دو شاعر با استفاده از ردیف‌های متنوع قدرت ترکیب سازی خود را نشان داده‌اند. ردیف‌های ترکیبی و گروهی با ترکیب و ساختمان‌های گوناگون باعث غنای موسیقی کناری شعر می‌شود.

همانطور که گفتیم حدود ۲۳٪ ردیف در غزلیات *خواجوی کرمانی* به ردیف‌های گروهی اختصاص دارد که مورد مشابه آن در غزلیات *وصال* به ۱۹٪ می‌رسد. این نوع

ردیف از ترکیب فعل، حرف، اسم و ضمیر تشکیل می‌گردد. با بررسی ردیف‌های ترکیبی درمی‌یابیم که افعال ربطی، نقش مؤثری در ساخت این گونه ردیف‌ها دارد و در غزلیات *خواجوی کرمانی* بیش‌تر دیده می‌شود. ۶۱ مورد به عبارتی قریب ۴۶٪ از ردیف‌های ترکیبی، با افعال ربطی ساخته شده است و بیانگر این است که وی برای ساخت فضاها و تصاویر بدیع و بکر در شعر خود از هیچ کوششی دریغ نکرده است. در حالی که ترکیب‌های مشابه *سلمان ساوجی* ۳۷٪ است. وی نسبت به *خواجوی کرمانی*، از افعال ربطی کم‌تری برای ساخت ردیف با ترکیب گروهی استفاده کرده است. انتخاب ردیف از کلماتی که بار هیجانی و عاطفی بیش‌تری دارند می‌تواند به ثبت لحظه‌های شاعرانه کمک کند و شاعر می‌تواند با چینش درست واژگان به خلق موسیقی و تصاویر بدیع بپردازد. ردیف‌های ترکیبی دو فعلی در شعر *خواجوی کرمانی* منحصربه‌فرد و بسیار موسیقی‌ساز است و به روحیه آزادگی، وارستگی، رهایی از تعلقات مادی *خواجوی کرمانی* اشاره دارد.

جدول بسامد غزلهای مردّف و غیرمردّف و فعلی خواجو و سلمان

شاعر	تعداد غزل	غیرمردّف	مردّف	ردیف فعلی	فعل خاص	فعل ربطی
خواجوی کرمانی	۹۳۳	۳۴۷	۵۸۶	۳۶۳	۲۶۵	۹۸
سلمان ساوجی	۴۴۱	۱۵۶	۲۸۵	۱۸۸	۱۳۰	۵۸

درصد و بسامد انواع ردیف در غزلیات خواجو و سلمان

شاعر	تعداد	فعل خاص	فعل ربطی	ترکیبی	اسم	قید و صفت	ضمیر	مصدر	حرف
خواجو	تعداد	۲۶۵	۹۸	۱۳۳	۳۰	۲۴	۱۶	۶	۱۵
	درصد	٪۷۳	٪۲۷	٪۲۳	٪۵	٪۴	٪۳	٪۱	٪۲
سلمان	تعداد	۱۳۰	۵۸	۵۴	۱۰	۱۰	۱۱	۵	۹
	درصد	٪۶۹	٪۳۱	٪۱۹	٪۳/۵	٪۳/۵	٪۴	٪۲	٪۳

نتیجه بحث

بررسی و مطالعه در موسیقی شعر باعث شناخت سبک شعری شاعر می‌گردد. در بررسی اشعار هر گوینده‌ای توجه به چگونگی و میزان موسیقی ابیات از رهگذر قافیه و ردیف ضروری است. *خواجهی کرمانی* و *سلمان ساوجی* از شاعران نامدار و صاحب سبک قرن هشتم و استاد مسلم سبک عراقی‌اند. هرچه تعداد حروف تکراری در کلمات قافیه بیش‌تر باشد موسیقی بیش‌تری احساس می‌شود. کم‌آهنگ‌ترین کلمات قافیه، کلماتی است که هجای قافیه در آن دو همسانی باشد. قافیه‌های دو همسان در شعر *سلمان* ۴۹٪ و در شعر *خواجه* ۵۱٪ است.

قافیه‌های سه همسان و بیش‌تر از غنای موسیقی بیش‌تری برخوردارند و در آهنگ شعر و موسیقی آن نقش بسزایی دارند. قافیه‌های سه همسانی و بیش‌تر در شعر *سلمان* ۳۰٪ و در شعر *خواجه* ۲۳٪ است و این نشان می‌دهد که *سلمان* بیش از *خواجه* به موسیقی کناری حاصل از قافیه اهمیت داده است. موسیقی قافیه در اوزان کوتاه، نسبت به اوزان متوسط، محسوس‌تر است. با توجه به جدول کوتاه و بلند بودن اوزان می‌بینیم اوزان کوتاه *خواجه* (۱۲ غزل) تقریباً دو برابر اوزان کوتاه *سلمان* (۵ غزل) است. از این دیدگاه موسیقی قافیه شعر *خواجه* بیش از *سلمان* است.

میزان استفاده هر دو شاعر از فعل مضارع بیش از فعل ماضی بوده و این بیانگر خلاقیت و تحرک تصاویر شعری آنان است. هر دو شاعر با استفاده از ردیف‌های متنوع قدرت ترکیب سازی خود را نشان داده‌اند. *خواجه* به موسیقی اشراف داشته و از اصطلاحات موسیقی در بیان صور خیال بهره برده است و همین آشنایی او با ریتم و موسیقی، غزلش را نسبت به *سلمان* آهنگین‌تر ساخته است.

کتابنامه

- خواجوی کرمانی. ۱۳۷۴ش، **دیوان اشعار**، به کوشش احمد قانع، تهران: بهزاد.
- سلیمان ساوجی. ۱۳۷۱ش، **دیوان اشعار**، تصحیح ابو القاسم حالت، تهران: ما.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۷۲ش، **صور خیال**، تهران: انتشارات توس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۸۴ش، **موسیقی شعر**، تهران: انتشارات توس.
- صفا، ذبیح الله. ۱۳۸۰ش، **تاریخ ادبیات در ایران**، جلد دوم، تهران: فردوسی.
- طوسی، خواجه نصیر الدین. ۱۳۶۳ش، **معیار الأشعار**، تهران: انتشارات ناهید.
- القیروانی، ابی علی الحسن بن الرشیق. ۱۴۲۴ق، **العمدة فی محاسن الشعر وآدابه ونقده**، بیروت: المكتبة العصرية.
- قیس رازی، شمس. ۱۳۶۰ش، **المعجم فی معاییر اشعار العجم**، تهران: زوار.
- گرگانی، شمس العلماء. ۱۳۲۸ش، **ابدع البدایع**، چاپ سنگی، تهران.
- نجفقلی، میرزا. ۱۳۶۲، **دره نجفی**، تصحیح حسین آهی، تهران: انتشارات فروغی.
- نجفی، ابوالحسن. ۱۳۸۲ش، **مبانی زبان شناسی**، تهران: نیلوفر.
- وحیدیان کامیار، تقی. ۱۳۸۰ش، **وزن و قافیه شعر فارسی**، تهران: انتشارات دانشگاه.
- وطواط، رشید الدین. ۱۳۶۲ش، **حدائق السحر**، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: بی نا.
- ولک. رنه و آوستن وارن. ۱۳۷۲ش، **نظریه ادبیات**، ترجمه ضیاء مؤحد و پرویز مهاجر، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

Bibliography

- Alqirvani, abi ali alhasan ebn rashiq. 1442, *Alomda fi Mahasene Alsher o Adabeh*, Beyroot: Alasriye.
- Gheys Razi, Shams, 1360. *Al mojam fi maayir al ashar alajam*, Tehran: Zavar.
- Khajoy Kermani. 1374, *Poem collection*, correct by Ahmad Ganei, Tehran: Behzad.
- Kaje nasir toosi. 1363, *Meyar alashar*, Tehran: Nahid.
- Najaf qoli, Mirza. 1362, *Dorre Najafi*, correct by Hosen Ahi, Tehran: Forooghi.
- Najafi, Abolhasan. 1382, *Linguistics*.
- Shafii kadmeh, Mohamadreza. 1384. *Poetry music*, Tehran: toos.
- Shafii kadmeh, Mohamadreza. 1372. *Emagination faces*, Tehran: Toos.
- Salman Savojy. 1371, *Poem collection*, correct by Abolqasem Halat, Tehran: Ma.
- Safa, Zabihollah. 1380, *History of Literature in Iran*, Volume 2, Tehran: Ferdowsi.
- Shams ololama Gorgani. 1328, *Abda olbadaye*, Tehran.
- basics, Tehran: Niloofar.

- Vahidiyan kamyar, Taqi. 1380, Weight and rhyme of Persian poetry, Tehran: University.
- Vatvat, Rashidoldin. 1362, Hadayeq alsehr, correct by, Abas Eqbal ashtiyani, Tehran: Nashr.
- Volek rene, a.v. 1372, The theory of literature, Translation by zia movahed and parviz mohajer, tehran: Cultural science.